

بررسی نقش نخبگان اقتصادی در روند رشد و توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی

رضا پریزاد^۱

امیر حاتمی فر^۲

چکیده

از آنجا که دانش و اطلاعات نقش اساسی در رشد و ایجاد ارزش افزوده در جوامع توسعه یافته و پسا صنعتی دارد و روند پیشرفت جوامع صنعتی در طول تاریخ نشان می دهد عواملی چون اطلاعات، فناوری و دانش، جوامع در حال توسعه را به دوره توسعه یافتگی و پسا صنعتی رهنمون می سازد، بنابر این توجه به ارتقاء سطح دانش داخلی در جهت توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش الزامی می باشد. از این رو این مقاله باهدف شناخت و آگاهی از نقش نخبگان اقتصادی در روند رشد و توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی انجام شده است. با توجه به نتایج این تحقیق به منظور رشد و توسعه پایدار اقتصاد می بایست بستر و زیر ساخت اقتصادی کشور هموار گردد بنابرین طبق الگوی طراحی شده دانشگاه با رفع نیازهای پژوهشی و تحقیقاتی و همچنین با ایجاد نوآوری در محصولات و خدمات، رشد مستمر صنعت را فراهم کرده و با ارتقای سطح دانش، پیشرفت اقتصادی را میسر می سازد. این امر منجر می شود کشور در مقابل انواع تحریمها مقاوم بوده و با استقلال اقتصادی، عزت و افتخار ملی را فراهم می کند.

کلمات کلیدی: اقتصاد، اقتصاد دانش بنیان، اقتصاد مقاومتی، نخبگان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۲. دانشجوی دکترای جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

مقدمه

همواره در طول تاریخ حیات بشری پیشرفت و عدم پیشرفت جوامع را به عوامل مختلفی مربوط دانسته‌اند. عوامل مادی، عوامل غیرمادی یا عوامل انسانی، که در این میان عامل انسانی عاملی بسیار تعیین کننده بوده است. هر چند ابزارها و عوامل مادی امروزی را نماد پیشرفت و توسعه یافتگی کشورها از نظر جایگاه رشد و توسعه می‌دانند، اما قدر مسلم کارکرد اصلی کاربرد عوامل مادی و تأثیر آنها در تمام سطوح به عامل مهم تر از خود یعنی نیروی انسانی متفکر و متخصص وابستگی کامل دارد، چه بسا اگر پیشرفته‌ترین امکانات مادی و تجربیات مدرن برای خدمت به جامعه را بدون توجه به مقتضیات زمان و دانش روز به کار گیریم به تدریج از قافله ترقی و تأثیرگذاری خارج و به یک ابزار بلااستفاده تبدیل خواهند شد. پس همواره نقش نیروی انسانی کارآمد و اندیشمند و خلاق بالاترین درجه تأثیرگذاری بر سایر عوامل را در عرصه توسعه یافتگی و رشد کشورها ایفا می‌کند. در جهان مدرن مشخصه و ویژگی برجسته رهبران و نخبگان کشورهای توسعه یافته اعتقاد کامل به اصول علم و تحقیقات علمی در تمامی برنامه‌های کلان جامعه است و هر جایی که تمدن بشری را مطالعه و بررسی می‌کنیم در واقع به مثابه بررسی نقش رهبران و اندیشمندان در خلق آثار تمدنی و فرهنگی بشر خواهد بود، برای مثال، آثار تمدن های باستانی ممالکی چون روم، چین، ایران، مصر، و یونان همگی نشان دهنده اندیشه، اهداف، و توانایی رهبران این کشورها در اعصار قدیم این ممالک است.

با ظهور انقلاب اسلامی، حکومت جدیدی در دنیا پدیدار شد که بنای سازگاری با قطب قدرت استکبار را نداشت و به مبارزه با آن پرداخت. ظهور چنین حکومتی در منطقه خاورمیانه که از لحاظ اقتصادی و ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیار است، موجب شد که نظام استکبار جهانی با تمام قوا به مبارزه با انقلاب برخیزد. با پایان یافتن جنگ و عدم پیروزی استکبار در زمینه‌های نظامی، تهاجمات به عرصه های دیگر کشیده شد. یکی از این عرصه ها که به ویژه در سال های اخیر با تهاجمات گسترده همراه بوده، عرصه اقتصادی است (Balasa, 1990: 1-17). بنابراین، انقلاب اسلامی ایران مکلف به نوآوری و نظریه پردازی و الگو سازی در عرصه های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است (علیخانی، ۳۰: ۱۳۸۰-۳۵).

امروزه در ادبیات مدیریت و اقتصاد، بر نقش دانش به عنوان یک منبع حیاتی برای حفظ رقابت پذیری و سودآوری تاکید بسیاری شده است. از اوایل دهه ۹۰ با ظهور نظریه‌های رشد درون زا اقتصاددانان به اهمیت دانش به عنوان عامل اصلی در حفظ رشد پایدار اشاره کردند و در همین دهه بود که ادبیات مدیریت دانش در سطح بنگاه‌ها به سرعت رشد کرد (سوزنچی، ۲۱: ۱۳۹۰).

توجه به نقش دانش در اقتصاد و رشد اقتصادی موضوع جدیدی نیست، به نحوی که آدام اسمیت در قرن نوزدهم به نقش تخصص در تولید و اقتصاد توجه داشته و فردریک لیست تأکید کرده است که خلق و توزیع دانش به بهبود کارآیی در اقتصاد کمک می‌کند. طرفداران شومپیتر نظیر هیرشمن، گالبرایت و گودوین به نقش ابداع و نوآوری در پویایی اقتصاد توجه خاص داشته و رومرو گروسمن نیز با عرضه نظریه جدید در زمینه سرمایه انسانی، برای علم و دانش در رشد بلند مدت اقتصادی نقش عمده‌ای قائل شده‌اند (Clarke, 2001). از این رو، در نظریه‌های جدید رشد اقتصادی دانش بخش اصلی نظام اقتصادی محسوب می‌گردد. در عصر حاضر، با پیشرفت فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی جامعه بشری نیز همان طور که گفته شد از حالت سنتی خود خارج شده و به سوی جامعه اطلاعاتی یا جامعه دانش محور سوق داده شده است در این نظام اقتصادی، تولید و کاربرد دانش منشأ اصلی ایجاد ثروت محسوب می‌شود به بیان دیگر محور "علم فناوری، نوآوری و کارآفرینی" عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی قلمداد می‌شوند. (عربشاهی کریزی، کماسی، صارمی گرو، ۱۳۹۲: ۱-۲). از این رو در این مقاله هدف شناخت و آگاهی از نقش نخبگان اقتصادی در روند رشد و توسعه ایران بعد از انقلاب اسلامی است.

توسعه و نقش نخبگان

تحولات اجتماعی ایران از دوران قاجاریه تحت الشعاع منافع نخبگان قرار داشته و در ایران نیز همانند دیگر کشورهای در حال توسعه نخبگان در پویای توسعه کشور نقشی تعیین کننده داشته‌اند. مسائل کشورهای در حال توسعه ناشی از صنعتی شدن شتابان است. صنعتی که در جستجوی بوده‌اند و به درجات یکسانی بدان دست نیافته‌اند، توسعه نیافتگی که تا اندازه زیادی با توسعه یافتگی کشورهای قبلاً صنعتی شده ارتباط دارد. صنعتی شدن کشورهای غربی در اغلب موارد از لحاظ سازمان اقتصادی، انجام و ثبات سیاسی، و آمادگی روانی مردم حاصل از افول نهادهای سنتی، در شرایط بسیار مساعدتری آغاز شد و در طی جریانی طولانی‌تر و با شتابزدی کمتری انجام گرفت. کشورهای توسعه نیافته فعلی باید، هم با مشکلات اقتصادی ناشی از رقابت کشورهای صنعتی پیشرفته در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری مقابله کنند و هم با بی‌ثباتی سیاسی، تقاضای عمومی برای سطح بالاتری از درآمد و رفاه و مخالف قدرتمند نیروهای ناشی از شیوه سنتی زندگی. در چنین شرایطی اهمیت نخبگان و رهبرانی که قدرت انگیزختن اقدام موثر و کنترل و هدایت وقایع را داشته باشند شدیداً افزایش می‌یابد. فقدان تجربه توده مردم در زمینه سازماندهی سیاسی و اجتماعی نیز باعث افزایش بازهم بیشتر اهمیت این دسته می‌شود. مطالعاتی که در زمینه نخبه گرایی در کشورهای در حال توسعه انجام گرفته است بر این نظر که پنج نوع ایده آل از نخبگان وجود دارند که معمولاً اشکال مختلف توسعه صنعتی شدن را بعهده دارند:

۲- متوسط

۳- روشنفکران انقلابی

۴- حکام استعمارگر

۵- رهبران ملی

در جامعه ما، به عنوان یک کشور در حال توسعه از میان پنج گروه نخبه فوق الذکر، نخبگان طبقه متوسط خصوصاً متوسط جدید و رهبران ملی نقش مهم تری را در توسعه ایفا کرده‌اند. طبقه متوسط برعکس طبقات بالا و پایین نه غوطه ور در ثروت و تراکم ثروت است و نه دغدغه تأمین ضروریات زندگی را دارد. لذا مجال اندیشیدن دارد و به علت شغل‌های فرهنگی- اداری که دارد بیشتر سرو کار با اندیشه اصلاح دارد. به طور مشخص از دهه ۱۳۰۰ باپیدایش و رشد طبقه متوسط جدید در ایران، قشر نخبگان اقتصادی- صنعتی پا گرفت که شامل تحصیلکردگان، دیوانسالارن، مدیران صنایع، تکنوکرات‌ها، مهندسیین مشاور و ... می‌گردد (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۳۴).

مهم ترین مسأله در توسعه پایدار نقش و جایگاه نخبگان و به طور کلی نیروهای انسانی کارآمد و فرهیخته است. مهم تر از این مهم کشف پدیده‌های بدیهی و ساده است. به گفته محبوب الحق (که از تئوری پردازان است) نیوتنی باید پیدا می شد تا از خود بپرسد که چرا سیب به جای آن که به هوا پرتاب شود، به زمین می افتد و بر پایه این سوال قانون جاذبه را کشف کند. انیشتینی باید ظهور می کرد تا بگوید، مفهوم زمان و مکان نسبی است نه مطلق تا نظریه نسبیت ساخته شود و... اگرچه بسیاری از مسائل بدیهی هستند، اما چه بسا ممکن است مورد توجه قرار نگرفته و مغفول واقع شوند. نقش نخبگان در توسعه نیز از جمله بدیهیاتی است که لاقول در برخی از کشورها مغفول واقع می شود. این در حالی است که انسان‌ها هم هدف و هم وسیله توسعه‌اند. انسان‌ها به جای این که در حاشیه توسعه باشند و توسعه از بالای سر آن‌ها بگذرد، باید هدف و موضوع اصلی توسعه قرار گیرند، نه یک مجرد اقتصادی از یاد رفته، بلکه واقعیتی زنده که مصدر فکر و عملند. نه قربانیان یا بردگان بی پناه فرایند توسعه بلکه صاحبان و خداوندان آن. پرفسور فردریک هابینسون از دانشگاه پرینستون معتقد است که نیروهای انسانی و به ویژه نخبگان آن‌ها اساس ثروت ملت‌ها را تشکیل می دهند و سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی و حاشیه ای ترند. وی معتقد است دولتی که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمانش را توسعه دهد و از آن بهره برداری کند، توانایی توسعه را نخواهد داشت. از طرفی نباید فراموش کنیم که هدف از توسعه، بهبود وضع عمومی جامعه و سرانجام بهبود زندگی انسان‌هاست و اگر انسان‌ها ابزار توسعه هستند، توسعه نیز برای آنهاست و اگر قرار باشد تولید ناخالص ملی (GNP) افزایش یابد اما در زندگی انسان‌ها تأثیری نگذارد، کاری انجام نگرفته است. چنان چه درآمد افراد بر اساس بهره‌وری کار، استعدادها، مهارت و دانش کسب شده باشد، توزیع درآمدها نیز عادلانه تر خواهد بود. اگر سرمایه انسانی قدرت و قابلیت تولیدی را عادلانه تر توزیع کند، مسلماً درآمدها نیز

عادلانه تر توزیع می شوند و شکاف موجود کمتر خواهد شد. برای توجه به عامل انسانی توسعه در برنامه ریزی‌ها نکات ذیل حائز اهمیت و توجه اند:

۱- برنامه‌ها با ترازنامه انسانی: بدین صورت که چه منابع انسانی ای در کشور وجود دارد؟ وضع تعلیم و تربیت آنان چگونه است؟ چه نوع مهارت‌هایی در اختیار است؟ فقر مطلق و توزیع درآمد چه سیمایی دارد؟ میزان بیکاری و اشتغال چقدر است؟ توزیع شهری و روستایی جمعیت و سطح رشد و تحول انسانی در مناطق مختلف چگونه است؟ جمعیت از لحاظ تحولات دموگرافیک چه وضعی دارد؟ نیروهای فکری و اجتماعی برانگیزاننده مردم کدامند؟ امیال و آرزوهای اجتماعی چیست و...

۲- هر نوع استراتژی توسعه به صورت نامتمرکز میسر است و مشارکت محلی در تصمیم‌گیری‌ها و اتکای به خود را باید مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر رئیس دولت نباید برای یک شهرستان تصمیم بگیرد که اعتبارات عمرانی آن چگونه هزینه شود (کاری که قبل از آن توسط شورای برنامه ریزی شهرستان عملی می شد).

۳- نخبگان و شایستگان در مصادر امور قرار گیرند. اگر چنین امری میسر نیست، لاقال نخبگان و فرهیختگان جریان سیاسی حاکم در مصادر امور باشند نه ارادتمندان، متملقان و وابستگان.

۴- اگر به هر دلیلی فضای فکری استفاده از نخبگان وجود ندارد، لاقال باید نصایح نظریات کارشناسی و دلسوزانه آن‌ها را با دیدی باز پذیرا بود و نقد آن‌ها را به عنوان داروی شفا بخش مدنظر قرار داد.

۵- به این مهم توجه شود که امر به معروف و نهی از منکر تنها در حوزه فردی و اجتماعی کاربرد ندارد، مهم‌ترین حوزه کاربرد امر به معروف و نهی از منکر حوزه سیاسی است که معمولاً توسط نخبگان انجام می پذیرد، چرا که تبعات تصمیمات سیاسی بسیار گسترده است و چه بسا یک سیاست غلط، زندگی بسیاری از مردمان را تحت الشعاع خود قرار دهد و برعکس یک تصمیم خوب بسیاری از مشکلات را مرتفع کند.

۶- فعالیت احزاب و مطبوعات به عنوان ناظران بی‌مزد و موجب در انظار دولتمردان از ارج و منزلت برخوردار شود. چرا که آنان بدون دریافت مزدی، با نقد سیاست‌های حاکم و بعضاً ارائه راه‌حل‌های بهتر خطاها و اشتباهاتی را که هزینه‌های زیادی را بر ملت و کشور تحمیل می‌کنند، کاهش خواهند داد.

توجه به عوامل فوق و انباشت سرمایه انسانی از طریق استفاده از نخبگان در کنار سرمایه مادی، کامی است در جهت تعادل بین دو عامل مهم تولید که اتحاد و هماهنگی بین آن‌ها موجب تسریع توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهد بود. از طرفی از آنجا که سرمایه انسانی قابلیت تطبیق بیشتری برای فرصت‌های قابل تغییر دارد، هر گونه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی موجب بازده طولانی و افق روشن تری خواهد شد. مضافاً اینکه بسیاری از معضلات اجتماعی نظیر بیکاری، فقر و فساد نیز رو به افول خواهد رفت. در یک جمع بندی از عامل انسانی می‌توان به این نتیجه رسید که

مهم ترین عامل فرایند توسعه نخبگان و فرهیختگان هر جامعه ای هستند و برنامه‌های توسعه باید به گونه ای تدوین شود که از این منبع مهم به نحو شایسته ای استفاده شود. ضمن این که کیفیت استفاده از این نیروها بر کمیت آن برتری دارد. منتها از آنجا که کالاهای سرمایه ای واقعی قابل خرید و فروش هستند و قیمت آن‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می شود، بنابراین قیمت‌ها منعکس کننده ارزش تقریبی تعیین شده از سوی خریداران و فروشندگان است در حالی که برای سرمایه انسانی چنین قیمت گذاری صورت نمی گیرد و این موضوع یکی از موانع ارزشیابی واقعی انسانی در تئوری‌های توسعه به شمار می آید. امید آن که دولتمردان ایرانی به اهمیت نیروهای کارآمد، خلاق و صاحب فکر توجه بایسته ای کرده و زمینه حضور آنان را در عرصه‌های مختلف فراهم آورند، یا لاقلاً از نظرات و راهنمایی‌های آنان استفاده کنند تا ملت بزرگ ایران بیش از ایمن در تنگناهای زندگی سرگردان نباشد (روزنامه شرق، ۱۳۸۶).

توجه به نخبگان و استفاده از فناوری ها و تکنولوژی های نوین در اقتصاد مقاومتی

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری های نوین مشمول تحریم قرار می گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی‌دهند این فناوری ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود می توان این فناوری ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات مناسب برای نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی از ویژگی های اقتصاد مقاومتی است (اصغری، ۱۳۹۱: ۷).

حرکت به سمت اقتصاد دانش بنیان

در گذشته (قرن نوزدهم و بیستم) عوامل محسوسی نظیر سرمایه فیزیکی، نیروی کار و منابع طبیعی به عنوان عوامل تولید و عناصر رشد اقتصادی مد نظر بوده، ولی امروزه (قرن بیست و یکم) علاوه بر عوامل فوق، عوامل غیر محسوسی نظیر دانش، اطلاعات و ویژگی‌های فرهنگی را به عنوان منابع جدید رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند. در گذشته فناوری و دانش به عنوان عوامل برون‌زا بر تولید و رشد اقتصادی تأثیر داشته، ولی امروز اعتقاد بر این است که این عوامل درون‌زا بوده و بر کارایی کلیه عوامل و منابع رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارند. اصطلاح اقتصاد دانش بنیان^۱ که اولین بار توسط سازمان اقتصادی همکاری و توسعه مطرح شد، گویای نقش مهم دانش و فناوری در جریان اقتصاد است و می‌توان گفت که اقتصاد دانش بنیان حداقل به دو ویژگی اقتصاد نوین^۲ اشاره می‌کند:

1. Knowledge Based Economy (KBE)
2. Organization For Economic Corporation and Development (OECD)
3. New Economy

۱- در اقتصاد دانش بنیان، دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت تر از گذشته است.

۲- کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ عامل محرکه اقتصاد جدید است. (اصغری، ۱۳۹۱: ۶)

اقتصاد دانش محور اقتصادی است که به طور مستقیم بر اساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار گرفته باشد. در اقتصاد دانش محور، دانش محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی رشته فعالیت ها است. براساس این تعریف اقتصاد دانش محور تنها به تعداد محدودی صنایع مبتنی بر فناوری بسیار پیشرفته وابسته نیست؛ بلکه در این نوع اقتصاد تمامی فعالیت های اقتصادی به شکلی بر دانش متکی است همچنین دانش مورد نیاز برای ساختن اقتصاد دانش محور تنها از نوع فناوری محض نیست و دانش فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی را نیز در برمی گیرد. (وحیدی، ۱۳۸۰: ۴)

تولید دانش به عنوان یکی از نیازهای اقتصاد دانش بنیان برای رشد، راه های جدیدی را به منظور افزایش کارایی در تولید کالاها و خدمات ایجاد و ارائه می کند. کشورهای پیشرفته و توسعه یافته به طور سنتی منبع اصلی خلق و ایجاد دانش بوده و کشورهای در حال توسعه، دانش ایجاد شده در کشورهای پیشرفته را مورد استفاده قرار می دهند (اصغری، ۱۳۹۱: ۷). آموزش و سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، سیاست های حمایتی دولت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، وجود محیط مناسب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و قانونی برای سرمایه گذاری، تولید و تجارت از جمله پیش نیازهای اقتصاد دانش بنیان است.

آموزش و سرمایه گذاری در سرمایه انسانی، سرمایه گذاری بلند مدتی است که بدون آن اقتصاد دانش بنیان ناپایدار خواهد بود. کشور ما با داشتن نیروهای جوان و متخصص می تواند از این مزیت بهره برده و سیاست گذاری ها در جهت اقتصاد دانش بنیان برنامه ریزی شود و تا حدودی از اقتصاد مبتنی بر نفت فاصله گرفته شود. ویژگی های یک اقتصاد دانش بنیان عبارتند از:

- ۱- خلق و ورود ایده های جدید
 - ۲- محیط مناسب برای فعالیت های اقتصادی
 - ۳- جهت گیری بین المللی
 - ۴- نوآوری
 - ۵- سرمایه گذاری
 - ۶- آموزش و یادگیری دائمی و مستمر
 - ۷- اشتغال
 - ۸- توسعه زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات (معمار نژاد، ۱۳۸۴: ۸)
- ضرورت توجه به اقتصاد دانش محور**
- علل و عوامل توجه روز افزون به مقوله اقتصاد دانش محور را می توان این گونه برشمرد:

- ۱- دگرگونی تولیدات صنعت
- ۴- تغییر سلايق مصرف کنندگان لزوم افزايش كارايي
- ۵- شدت يافتن رقابت جهاني
- ۶- جهاني شدن اقتصاد
- ۷- فرصت استفاده و پشتيباني از منابع اقتصادي جهان
- ۸- استفاده از تجربه كشورهاي پيشرو در اين زمينه
- ۷- باز شدن درهاي كشور بر اثر فشار اقتصاد دانش محور امري اجتناب ناپذير است، لذا هرچه زودتر آن را درك و با آن آشنا شويم و بتوانيم مزايای آن را تشخيص داده و استفاده كنيم به نفع كشور است. (جباري، ۱۳۸۷: ۴۶).

مروری بر اقتصاد دانش محور در ایران

در دنياي امروز علاوه بر سرمايه، امكانات و مواهب طبيعي دانش انساني به عنوان عنصري تعيين كننده و بسيار موثر بر توسعه كشورها به شمار رفته و با ورود دانش به تابع توليد، و محور قرار گرفتن انسان و توانايي‌هاي مغزي او براي توليد، دانش به موتور و قلب تپنده‌ي توليد و خلق ارزش افزوده مبدل شده است. عنصر دانش به ويژه در شرايطي كه تحريم‌ها و ناملايمت‌ها خارجي و داخلي بيش از پيش در شكل‌گيري مشكلات اقتصادي تاثيرگذار شده؛ براي ايجاد فضاي رقابتي بين بنگاه‌ها و افزايش بهره‌وري و كارايي و در نتيجه افزايش توليد امري مهم و ضروري محسوب مي‌شود و در اين ميان نقش شركت‌هاي دانش بنيان برجسته‌تر خواهد بود. شركت يا موسسه دانش بنيان شركت يا موسسه‌اي است كه به منظور هم افزايي علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمي و اقتصادي و تجاري سازي نتايج تحقيقات و توسعه در حوزه فناوري‌هاي برتر و با ارزش افزوده به ويژه در توليد نرم‌افزارهاي مربوط تشكيل مي‌شود. رهبر معظم انقلاب درباره ارزش شركت‌هاي دانش بنيان مي‌فرمايند: شركت‌هاي دانش بنيان يكي از بهترين مظاهر و مؤثرترين مؤلفه‌هاي اقتصاد مقاومتي به شمار مي‌روند. از اين رو از وظايف بنياد ملي نخبگان است كه از يك سو به رشد و شكل گيري شركت‌هاي دانش بنيان كمك كند و از سويي ديگر استعدادهاي برتر و نخبگان را به سمتي سوق دهد و هدايت كند كه محل رشد آن‌ها در مراكزي مانند شركت‌هاي دانش بنيان باشد. از آنجايي كه كشورمان به طور نسبي در رابطه با نيروهاي متخصص و ظرفيت انساني موجود داراي مزيت علمي و تخصصي است؛ تغيير جهت اقتصاد مبتني بر منابع طبيعي به اقتصاد دانش بنيان از مسير ساماندهي و راه اندازي شركت‌هاي دانش محور ميسر است. خوشبختانه با اقدامات خوب و حمايتي معاونت علمي و فناوري است جمهوري و بنياد ملي نخبگان، شركت‌هاي دانش بنيان در حال گسترش‌اند تا آنجا كه طبق آمار در خردادماه ۱۳۹۱، تعداد شركت‌هاي دانش بنيان مستقر در پارک‌ها و مراکز رشد حدود ۳۰۰ شركت و آمار شركت‌هاي خارج از پارک، در حدود ۶۰۰۰ شركت

برآورد می‌شود. برابر با آمار فوق، تعداد ۱۷ هزار نفر متخصص در این شرکت‌ها مشغول به کار هستند همچنین براساس افق برنامه ۲۰ ساله کشور، مقرر شده است، بیش از ۵۰ هزار شرکت دانش بنیان در کشور فعال شوند و این تعداد در افق برنامه پنجم توسعه کشور به ۲۰ هزار شرکت خواهد رسید (کرمی، ۱۳۹۱).

کشور ما امروز در یکی از حساس‌ترین مراحل تاریخ خویش است و شناخت صحیح مسئولیت‌ها و اجرای به موقع آن‌ها قطعاً ملت ایران را به افق‌های نوید بخش و آرمان‌های مورد نظر خواهد رساند. اقتصاد مقاومتی واقعیتی است که می‌بایست محقق شود و یکی از بهترین مظاهر و مؤثرترین مولفه‌های اقتصاد مقاومتی شرکت‌های دانش بنیان است که می‌تواند اقتصاد مقاومتی را پایدارتر کند. دانشگاه‌ها در اقتصاد دانش بنیان و مقاومتی نقشی اساسی بر عهده دارند و کشورهایی که در دستیابی به دانشگاه‌های کارآفرین پیش قدم بوده و حرکت سریع تری داشته باشند به طور حتم موفق‌تر خواهند بود. کشور ما از این نظر هم، پیشرفت چشم‌گیری داشته به طوری که براساس پایگاه استنادی اسکوپوس^۱، ایران در سال ۲۰۱۲ با ثبت ۳۰ هزار و ۷۱۴ مقاله رتبه ۱۶ دنیا و اول منطقه را به دست آورده است. به گفته معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم براساس آمار پایگاه استنادی، ISI ۲۰۱۲ با ثبت ۲۱ هزار و ۵۰۶ مقاله رتبه دوم منطقه و ۱۹ جهانی را به دست آورد.

رتبه ایران در حوزه نانو فناوری در سال جاری میلادی رتبه ۱۲ جهانی است. همچنین ایران در حوزه فناوری اطلاعات رتبه ۱۳ جهانی، در حوزه سلول‌های بنیادی رتبه ۱۸، در حوزه میکروالکترونیک رتبه ۲۰ و در حوزه زیست فناوری رتبه ۳۲ جهانی را به دست آورده است. در سال ۱۳۸۷ تعداد انجمن‌های علمی کشور ۱۵۹ انجمن بوده و این آمار در سال ۹۱ به ۲۸۰ انجمن ۸۴ قطب ذکر شده که این تعداد در، بالغ شده است. تعداد قطب‌های علمی کشور را در سال ۸۴ سال جاری به ۶۴۲ قطب رسیده است. همچنین طبق گفته معاون پژوهشی و فناوری وزارت علوم در سال ۱۳۸۴ تعداد نشریات علمی پژوهشی به ۱۷۱ نشریه می‌رسید که این آمار در سال ۹۱ به بیش از ۶۸۲ نشریه رسیده است (مهرداد، ۱۳۹۱).

بنابر آنچه گفته شد با تکیه بر اقتصاد مبتنی بر دانش موجب رشد و تعالی اقتصاد کشورمان خواهیم شد همچنین می‌توانیم اقتصاد مقاومتی را به عنوان الگویی برای سایر کشورهای تحت تحریم معرفی کنیم و از همه مهم‌تر این که آینده اقتصاد کشور به ویژه برای نسل‌های بعدی را تضمین خواهیم کرد.

اصول اقتصاد مقاومتی در حمایت از توسعه پایدار

پیشینه مدیریت توانمندی‌های ملی در راستای تحقق حماسه اقتصادی را می‌توان به دوران قاجاریه نسبت داد که اقتصاد ایران از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود. اقتصاد ملی در رکود کم‌سابقه‌ای قرار

داشت و سیل محصولات خارجی در بازار ایران روان بود. علما و روحانیون با درک خطر از بین رفتن اقتصاد ملی و استقلال سیاسی کشور با کمک تجار و بازرگانان معتمد دست به اقدامات عملی زدند که از این اقدامات می‌توان به تأسیس شرکت اسلامی اشاره کرد. ایران که خود زمانی صادر کننده منسوجات با کیفیت خصوصاً پارچه‌های ابریشمی بود به وارد کننده منسوجات با قیمت نازل تر تبدیل شده بود که با تأسیس این شرکت و فروش سهام آن به مردم فضای تولید رونق گرفت و در عمل مردم، خود تحریمی برای کالاهای وارداتی ایجاد کردند. بنابراین روشنگری روحانیون به عنوان قشر فرهیخته جامعه و مدیریت توانمندی تجار و پیشه‌وران ایرانی موجب شد تا یک حماسه اقتصادی شکل گرفته و طلیعه‌ای از اقتصادی مقاومتی در یک صنعت خاص نظیر نساجی آن دوران، نمود یابد (برومند، ۱۳۸۷: ۱۵۶). اقتصاد مقاومتی را نه تنها به عنوان روشی برای مقابله با شرایط بحران بلکه به عنوان سازوکاری در مدیریت کشور می‌توان بدان نگریست. اقتصاد مقاومتی به صورت پویا، در دوره‌های مختلف اقتصادی موجب آسیب‌ناپذیری در قبال مخاطرات داخلی و خارجی می‌شود. چارچوب تحلیلی اقتصاد مقاومتی در حمایت از تولید ملی را می‌توان براساس اصول هفت‌گانه‌ای دانست که از بیانات مقام معظم رهبری به شرح زیر استخراج شده است.



شکل ۱: اصول اقتصاد مقاومتی در حمایت از توسعه پایدار (رضا ندائی مغانلو، ۱۳۹۶: ۸)

اهداف و کارکرد دانشگاه و موسسات آموزش عالی

ماهیت آموزش عالی که هدف آن در موسساتی سازمان یافته و متشکل از گروهی طالب علم به نام "دانشگاه" به ثمر می‌رسد، چیزی جز جستجوی حقیقت و دانش نو و همچنین کشف روابط این دو با کل زندگی واقعی نیست. این جستجو و اکتشاف، کنش و واکنش‌هایی را در میان دانشجویان، مربیان و تجارب کسب و ضبط شده بشر سبب می‌شود که برای انجام درست این عمل به محیطی که از ویژگی‌هایی مانند آزادی، مسئولیت، خلاقیت و نوآوری و انسانیت برخوردار باشد، نیاز

است(حاجی پور و سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). اگر با دیدی وسیع و کلی به آموزش بنگریم می‌توان هدف‌های کلی زیر را بیان کرد: آموزش و انتقال فرهنگ و یافته‌ها به طالبان آن، پژوهش و اکتشاف دانش نو. دو هدف ذکر شده به علت کلی بودن و پیچیدگی، به آسانی قابل آزمون و سنجش نیست. بنابراین هدف‌های کلی به شش هدف ویژه که اندازگیری و سنجش آن‌ها آسانتر است تقسیم می‌شود: پرورش هر چه بیشتر شهروندانی بالغ از نظر فکری و جسمی. فراهم کردن زمینه مساعد و مناسب چه از نظر تجربی و چه از نظر علمی برای آن گروه که رهبران فردا خواهند شد.

تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر برای تامین نیازهای بازار کار یک جامعه صنعتی و پیشرفته. انتقال ارزش در جامعه. در واقع عمل انتقال ارزش‌ها یکی از راه‌های ارتباط میان آموزش عالی و جامعه است و از طریق توجه به این هدف، می‌توان از گسیختگی میان جامعه و آموزش عالی کاست و هر دو را در رسیدن به هدفی مشترک همگام و هماهنگ ساخت. نگهداری و حفاظت مواد علمی، ادبی و هنری با ایجاد کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مانند آن. اکتشاف و خلاقیت در دانش و پژوهش جهت یافتن حقایق.

سه کارکرد اصلی مجموعه‌های دانشگاهی یا نظام آموزش عالی امروز که یونسکو برای آن تاکید دارد عبارتند از (حاجی پور و سلطانی، ۱۳۸۷: ۱۸۳):
کارکرد نخست: پژوهش (تحقیق) یا تولید دانش.
کارکرد دوم: آموزش یا انتقال دانش.
کارکرد سوم: خدمات یا اشاعه و نشر دانش.

نقش دانشگاه‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی

با توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و نیز مأموریت‌های محوله از سوی معاون اول رئیس جمهور به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در چارچوب این سیاست‌ها، مقرر گردید "پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور، ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقا جایگاه جهانی کشور، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه" در مقاطع کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در دستور کار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قرار گیرد. بر این اساس امروزه تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند موتور محرکه‌ای است که بتواند تحرک لازم را در قوای سه‌گانه و دستگاه‌های زیر مجموعه ایجاد نماید و در این میان نقش آفرینی نخبگان دانشگاهی حائز اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. علاوه بر این عموماً استراتژی‌های دانشگاهی وارد سازمان‌های تصمیم‌گیر و سپس وارد نهادهای اجرایی می‌شوند. یعنی بهترین مکان برای پرداختن و تئوریزه کردن ایده‌ها دانشگاه‌ها هستند. زیرا سازمان‌ها و نهادهای اجرایی توان، حوصله و فرصت پرورش و کاربردی کردن

ایده‌ها را ندارند. در این راستا ضرورت دارد دانشگاه‌ها با اجرایی نمودن طرح تشکیل کمیسیون‌های اقتصاد مقاومتی در دو سطح اساتید و دانشجویان به بحث و گفتگو پیرامون این موضوع پرداخته و اقدامات و برنامه‌های پیش‌بینی شده جهت تحقق اقتصاد مقاومتی را پیگیری نمایند (غلامی، ۱۳۹۱). از سوی دیگر برای این که دانشگاه‌ها در مأموریت‌های خود موفق عمل کنند باید با استفاده از نظرات همه اқشار دانشگاهی، محیطی با نشاط و پویا فراهم آورند و ارتباطات دانشگاه‌ها با مراکز علمی بین المللی نیز بیش از پیش تقویت شود (سرافرازی، ۱۳۹۲).

تیرگر، سلطانپور، جهانیان (۱۳۹۲) به منظور پی بردن به وضعیت آگاهی، نگرش و عملکرد گروهی از اساتید دانشگاه علوم پزشکی در ارتباط با مقوله اقتصاد مقاومتی، با بررسی نظرات ۴۷ تن از آنان به این نتیجه دست یافتند که تعداد زیادی از اساتید مورد بررسی (۹۲ درصد) عبارت اقتصاد مقاومتی را شنیده، اما تنها قدری بیش از آن‌ها (۶۰ درصد) با مصادیق آن اظهار آشنایی کرده‌اند. بررسی پیشنهادات و ایده‌های اعضای هیئت علمی در خصوص نحوه اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی در دانشگاه نیز با تأکید بر موضوعاتی چون صرفه‌جویی، استفاده بهینه از امکانات، اطلاع رسانی و فرهنگ‌سازی از طریق کرسی‌های آزاداندیشی و تشکیل کمیته‌های دانشگاهی همراه بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که دانش و اطلاعات نقش اساسی در رشد و ایجاد ارزش افزوده در جوامع توسعه یافته و پسا صنعتی دارد و روند پیشرفت جوامع صنعتی در طول تاریخ نشان می‌دهد عواملی چون اطلاعات، فناوری و دانش، جوامع در حال توسعه را به دوره توسعه یافتگی و پسا صنعتی رهنمون می‌سازد، بنابراین توجه به ارتقا سطح دانش داخلی در جهت توسعه اقتصادی مبتنی بر دانش الزامی می‌باشد. برای رسیدن به اقتصاد دانش محور، جامعه دانش ملی و راهبرد فناوری اطلاعات و ارتباطات باید شامل یک تجزیه و تحلیل کامل از وضعیت فعلی جامعه دانش در مرحله‌ای که هست و تصویری از وضعیت که باید باشد در طی سال‌های آینده (مرحله‌ای که باید برسد) باشد. شکاف بین آن‌ها محرکی باشد که در طی یک دوره زمان جدید باید کاهش یابد. با در نظر گرفتن این، راهبرد ملی باید با هدف رسیدن به پیشرفت به طرف جامعه دانش محور باید تمام متغیرهایی که تاثیرگذار و موثر در توسعه کشور است پوشش داده شوند، علاوه بر این باید منافع واقعی کشور به خصوص گلوگاه‌هایی را که باید بر آن غلبه کرد، مشخص گردد. آن چنان که اشاره شد ایران نیز باید همانند کشورهای دیگر به منظور دستیابی به جامعه دانش و اقتصاد دانش محور، تلاش گسترده‌ای در شکل دهی انطباق سیاست‌ها و راهبردهای به کار گرفته شده توسط کشورهای توسعه یافته نماید و دیگری نیازی نیست که مسیرهای طی شده توسط کشورهای توسعه یافته دوباره با هزینه‌های کلان و در برخی از موارد غیر قابل تامین بر بدنه اقتصاد کشور تامین شود. همچنین ورود به جامعه دانش ایران نیز که فاقد بسترهای اولیه است. بدون توجه به این بستر سازی‌ها ورود به جامعه دانش نمی‌تواند

اقتصاد را به سمت دانش محوری هدایت کند. دانشگاه‌ها به عنوان سازمان‌های غیر انتفاعی همچون سازمان انتفاعی، با محیطی پیچیده و متلاطم روبرو هستند. محیطی که منابع، اثرات و انتظارات آن دائماً در حال تغییر و تحول است. هدایت صحیح دانشگاه از میان این تلاطم‌ها و ناآرامی‌ها در جهت نیل به چشم‌انداز خود نیازمند شناخت و درک صحیح از محیط و تحولات آن، ارزیابی واقع‌گرایانه از قابلیت‌ها و ضعف‌های داخلی سازمان و اتخاذ تصمیم‌های راهبردی هوشمندانه می‌باشد. این مسئله زمینه به کارگیری مدل‌های برنامه‌ریزی راهبردی در دانشگاه را فراهم نموده است. تقویت نظام مدیریت در دانشگاه‌ها و تربیت مجموعه‌ایی از افراد برخاسته از بخش‌های آموزشی، کمک آموزشی و اداری دانشگاه‌ها برای اداره و مدیریت پست‌های حساس جامعه موثر می‌باشد. دانشگاه در تبیین و اجرای اقتصادی کشور نشان داده که قصدش تقویت زیرساخت و توسعه اقتصاد کشور است و حمایت از این ایده کمک به مخترعین و کارآفرینان در راستای منافع جامعه، پویا شدن اقتصاد کشور و منافع دانشگاه و ثروتمند شدن از طریق دستاوردهای علمی و فناوری که از حمایت این گروه نیز بهره گیرد. در حقیقت بهبود وضعیت اقتصادی از این طریق می‌بایست دانشگاه را به تولید علم بیشتر و کاربردی تر در راستای نیازهای جامعه رهنمون سازد چرا که دانشگاه نهادی است که موظف است با نگاه به فردا و کشف مرزهای جدیدی برای دانش پاسخگوی نیازهای روز جامعه بشری باشد و در مسیر توسعه علمی و فناوری به فعالیت پردازد. از طرفی اعمال تحریم‌های یک جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به جمهوری اسلامی ایران بوده است. سال حماسه اقتصادی و سیاسی بهترین، فرصت برای اقتصادی و علمی کردن فرایندهای تولید و تبدیل کالاهای ایرانی به تولید ملی است تا فاصله میان مزیت‌ها و استعداد‌های تولید با دستاوردهای ایجاد ارزش افزوده به حداقل برسد. در آن صورت نرخ بهره‌وری علمی و اقتصادی هم تا سطح معناداری افزایش خواهد یافت. تحریم‌های اقتصادی ابزاری مناسب، کم هزینه‌تر و مشهودتر از اقدام نظامی برای اعمال سیاست و اهداف مورد نظر می‌باشد. برخی از تحریم‌ها، هزینه‌های گزافی را بر مردم کشور تحت تحریم وارد می‌نماید. با این حال اگر دارای منافع استراتژی اساسی باشد، می‌تواند مطلوب محسوب گردد(خادم، ۱۳۸۷: ۱۵). با توجه به این که در حال حاضر کشور ما در شرایط تحریم اقتصادی قرار دارد و یکی از راهکارهای استکبار جهانی، افزایش فشار بر معیشت مردم و جلوگیری از رشد اقتصادی، علمی و صنعتی است، باید نگاه مسئولان به ویژه براساس مطالبات مقام معظم رهبری حرکت جهادگونه اقتصادی باشد تا باعث کاهش فشارهای اقتصادی و تبدیل تحریم‌ها به فرصت‌های مناسب برای توسعه اقتصادی و تأمین معیشت مردم شود. که خود سبب‌ساز حماسه اقتصادی خواهد شد. در حال حاضر در شرایطی زندگی می‌کنیم که غرب در محور اقتصاد با ما دشمنی دارد. پس نیازمند اقتصاد مقاومتی هستیم؛ یعنی اقتصادی که مبنایش تلاش و حرکت از درون است و تلاش می‌کند تا با استفاده از امکانات، موانع را تبدیل به فرصت کند(بشیر، ۱۳۹۱: ۳۱-)

۶۲). که همانا حماسه اقتصادی است. عامل همه موفقیت‌های کشورها این است که در مرحله اول تولید ملی را افزایش دهند و اگر تولید ملی افزایش پیدا نکند، کشوری نمی‌تواند ادعای استقلال اقتصادی و علمی را داشته باشد. در سال حمایت از کار و سرمایه ایرانی باید بر روی مصرف کالاها و استعدادهای علمی داخلی پافشاری کرد و دولت اجازه ندهد مواد اولیه و کالای بی ارزش وارد کشور شود (سیف، ۱۳۹۱: ۵-۲۲).

با توجه به آنچه بیان شد به منظور رشد و توسعه پایدار اقتصاد می‌بایست بستر و زیر ساخت اقتصادی کشور هموار گردد بنابراین طبق الگوی طراحی شده دانشگاه با رفع نیازهای پژوهشی و تحقیقاتی و همچنین با ایجاد نوآوری در محصولات و خدمات، رشد مستمر صنعت را فراهم کرده و با ارتقای سطح دانش، پیشرفت اقتصادی را میسر می‌سازد. این امر منجر می‌شود کشور در مقابل انواع تحریم‌ها مقاوم بوده و با استقلال اقتصادی، عزت و افتخار ملی را فراهم می‌کند.



منابع

- اصغری، م، (۱۳۹۱)، جهاد اقتصادی: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- انصاری، ابراهیم، (۱۳۸۰)، نقش نخبگان در توسعه، نقش مدیریت در توسعه.
- برومند، شهرزاد، (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۵۶.
- بشیر، حسن، افراسیابی، محمدصادق، (۱۳۹۱)، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگترین جامعه مجازی ایرانیان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱، ۶۲-۳۱.
- تیرگر، سلطانیپور، جهانیان، عموزاده، (۱۳۹۲)، پژوهشی پیرامون اقتصاد مقاومتی در میان اساتید دانشگاه، ماهنامه معارف، شماره ۱۰۰.
- حاجی‌پور، بهمن، سلطانی، مرتضی، (۱۳۸۷)، برنامه استراتژیک پژوهشی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق(ع)، اندیشه مدیریت، سال دوم، شماره اول.
- خادم، هادی، (۱۳۸۷)، بررسی رابطه میان حکمرانی خوب و رشد اقتصادی، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- رضا ندائی مغاللو، (۱۳۹۶)، بررسی نقش دانشگاه‌ها در توسعه اقتصاد مقاومتی کشور (مطالعه موردی، مجله دانشگاه آزاداسلامی واحد اردبیل)
- روزنامه شرق، ۱۳۸۶
- سرافرازی، (۱۳۹۲)، دانشگاه‌ها پیشاهنگان اقتصاد مقاومتی، قدس آنلاین.
- سوزنچی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، اقتصاد دانش محور: رویکردها، مبانی و دلالت‌ها، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال اول، شماره ۱.
- سیف، اله مراد، (۱۳۹۱)، الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبنتی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، دوره پنجم، شماره ۱۶، ۵-۲۲.
- عربشاهی کریزی، احمد، کماسی، شهرام، صارمی گرو، امیر، (۱۳۹۲)، اقتصاد دانش محور، از ایده تا عمل، اولین همایش ملی مدیریت کسب و کار.
- علیخانی، حسین، (۱۳۸۰)، تحریم ایران شکست سیاست، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- غلامی، (۱۳۹۱)، دانشگاه‌ها چگونه در اقتصاد مقاومتی ایفای نقش می‌کنند، روزنامه ایران، شماره ۵۲۰۲.
- کرمی، پرویز، (۱۳۹۱)، اقتصاد دانش محور در ایران، پایگاه اطلاع رسانی دولت سال ۱۳۹۱.

- معمارنژاد، عباس، (۱۳۸۴)، اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱، ۱۰۸-۸۳.
- مهرداد، جعفر (۱۳۹۱)، رتبه ایران در بین کشورهای دانش محور مصاحبه در واحد مرکزی خبر.
- وحیدی، پریدخت، (۱۳۸۰)، اقتصاد دانش محور و نقش تحقیق و توسعه در آن، همایش چالش‌ها و چشم اندازهای توسعه ایران، تهران.
- Balasa, B, (1990), Koreas Development Strategy, in Jene K. Kwon Ed, Korea Economic Development, Greenwood Press, Connecticut, 1-17.
- Clarke ,T, (2001), The Knowledge-Based Economy, www. knowledg. com.

